

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده : یکی از هواداران پورتال
نویسنده: ناصر زراعتی
ششم اپریل ۲۰۱۰
گوتنبرگ - سویدن



فارسی‌زبانان عزیز! این "شین" زائد زشت را لطفاً رها کنید!

این ویروس غیر از زبان، وارد قلم‌ها و "کی‌برد"های کامپیوتر هم‌میهنان و هم‌زبانان نازنین هم شده است و اگر کسی تذکر ندهد و اگر این خطر نادیده انگاشته شود، بسا که این نادرست‌گویی و نادرست‌نویسی ماندگار شود و غیر از آزار حس شنوایی، از این پس، دچار لطمه خوردن حس بینایی هم بشویم

بیماری مُسری بیشتر نادرست‌گویی‌ها در زبان شیرین فارسی (که از قدیم گفته‌اند: «شکر است!»)، نتیجه ویروسی است ناشناخته و مودی که چگونگی زایش و پیدایش و گسترش آن معمولاً مشخص نمی‌شود. یکی از این ویروس‌ها که با سرعتی شگفتی‌آور از حدود یک سال پیش پخش شده و سر زبان‌ها افتاده (آن‌هم نه فقط سر زبان به‌اصطلاح «عوام»، که بسیاری از گویندگان رسانه‌های گروهی و ادیبان و هنرمندان و مفسران و استادان دانشگاه و متخصصان رشته‌های گوناگون علمی و ادبی و فرهنگی و غیره نیز بی‌دریغ و بی‌ملاحظه آن را به‌کار می‌برند و غریب این است که هیچ‌کس به زائد و زشت بودنش توجهی ندارد)، استفاده از سوم‌شخص فعل «هستن» [یعنی «هست»] به‌جای فعل «استن» (زمان حال «بودن») [یعنی «است»] آن هم با افزودن یک «ش» زائد است. مثلاً به‌جای گفتن «جمهوری اسلامی حکومتی دیکتاتوری است.» [یا در گفتار، به‌شکل «جمهوری اسلامی حکومتی دیکتاتوری»]، گفته می‌شود: «جمهوری اسلامی حکومتی دیکتاتوری هستش.» گاهی حتی این «ش» زائد البته زشت را هنگام صرف زمان گذشته فعل «بودن» [یعنی «بود»] نیز بر زبان می‌رانند. مثلاً به‌جای این‌که بگویند: «نظام پادشاهی پهلوی هم دیکتاتوری بود.»، می‌گویند: «نظام پادشاهی پهلوی هم دیکتاتوری بودش.»

همچنان که ملاحظه می‌شود، در هر دو مورد، هیچ‌گونه ضرورتی به افزودن این «ش» زائد زشت البته نادرست از نظر دستور زبان فارسی وجود ندارد.

این‌که ویروس چنین نابهنجاری آلوده‌ای دقیقاً از کی و کجا پیدا شده، من تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ام. ولی حدس می‌زنم که این ویروس متأسفانه از درون ایران سر برآورده و سپس، از طریق گفتارهای تلفنی و اینترنتی، به سرعت رواج و گسترش یافته و به رسانه‌های گروهی بیرون از کشور نیز راه پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که دیگر امروزه، کمتر زن و مرد پیر یا جوان و نوجوان فارسی‌زبان ایرانی را می‌توانید پیدا کنید که ورد زبانش «هستش» و «بودش» نبوده باشد.

تا یکی دو روز پیش، نگارنده هنگام شنیدن این «هستش» و «بودش»‌های کریه و نابهنجار، دچار آزردهی حس شنوایی می‌شد و تنها کاری که از دستش ساخته بود این بود که مراقب باشد این ویروس به زبان و گفتار او هم سرایت نکند و دچار این بیماری «لا علاج» یا (اگر خواسته باشیم خوشبینی نشان بدهیم، باید بگوییم) «دیر علاج» نشود و دل‌خوش بود که این «نادرست‌گویی» فقط در «گفتار»‌ها هست و خوشبختانه به «نوشتار»‌ها راه نیافته و امیدوار بود بر اثر گذشت زمان، خودبه‌خود، از بین برود و فارسی‌زبانان عزیز و محترم به خود بیایند و همچون گذشتگان و پدران و مادرانشان و نیز خودشان پیش از شیوع این ویروس، آن را رها کنند و از زشت کردن این زبان شیرین زیبایی خوش‌آهنگ دست بشویند. اما در این یکی دو روزه، در برخی نوشتارهای اینترنتی یا شکل مکتوب بعضی از گفتارها، ملاحظه کرد که خیر، گویا خطر جدی‌تر از آن است که می‌پنداشته و در کمال تأسف، این ویروس غیر از زبان، وارد قلم‌ها و «کی‌برد»‌های کامپیوتر هم‌میهنان و هم‌زبانان نازنین هم شده است و اگر کسی تذکر ندهد و اگر این خطر نادیده انگاشته شود، بسا که این نادرست‌گویی و نادرست‌نویسی ماندگار شود و غیر از آزار حس شنوایی، از این پس، دچار لطمه خوردن حس بینایی هم بشویم.

شاید اشاره به این نکته بد نباشد که اگرچه برای چنین ویروس‌هایی واکنش وجود ندارد، اما تنها راه مبتلا نشدن به آن‌ها، «سالم» و «نیرومند» نگه‌داشتن ذهن و زبان است و بس. و این «سلامت» و «نیرومندی» حاصل نمی‌شود مگر با مطالعه گاه‌به‌گاه آثار ادبی غنی و ارزشمند کهن و نو زبان فارسی که خوشبختانه فراوان است و در دسترس همگان.

من در این مختصر، قصد ندارم وارد بحث زبان‌شناسی بشوم و ذکر برخی نکته‌ها در زمینه زبان، از جمله این‌که تغییر و تحول و رو به سادگی رفتن زبان، به خصوص زبان گفتاری، امری است طبیعی و ناگزیر، روشن‌تر از آن است که نیازی به تکرار داشته باشد و همگان از آن آگاهند، اما گسترش شدید افزودن این «ش» (به‌عمد تکرار و تأکید می‌کنم) «زشت» و «نابهنجار» که گمان نکنم کسی قبول نداشته باشد که «زائد» هم هست، مرا واداشت که این تذکر را بدهم.

مطمئنم که از این پس، همه خوانندگان این مطلب کوتاه نیز همچون من، هنگام شنیدن یا خواندن و دیدن این «ش» زائد زشت، دچار آزردهی گوش و چشم و ذهن خواهند شد.

همین‌جا، باید از همه خوانندگان هم‌زبان عزیز پوزش بخواهم که با این کار خود، موجب «آزردهی» آنان می‌شوم، اما تقریباً اطمینان دارم همگان با من موافق اند که این‌گونه «آزردهی»‌های فرهنگی گاهی لازم است. اگر به این نابهنجاری توجه کنیم، خواهیم کوشید از نادرست‌گویی و نادرست‌نویسی، آن‌هم به این صورت زشت و زننده و آزاردهنده، دست بشویم. در واقع، با اندکی توجه و دقت، بر این بیماری غلبه خواهیم کرد و در نتیجه، این ویروس (حالا از هر کجا که آمده، مهم نیست!) نابود خواهد شد.